**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

**طائفۀ دوم: روایات قاعدۀ ید**

طایفه دوم از روایاتی که گفته شده است دلالت می‌کند که در شبهۀ موضوعی فحص لازم نیست روایاتی است مربوط به قاعدۀ ید یعنی روایاتی که مضمونش این است که اگر مالی دست کسی بود انسان شک دارد آیا این مال ملک او هست یا ملک او نیست؟ شبهۀ موضوعی است. روایات می‌گوید به این شبهه اعتنا نکن، فحص نمی‌خواهد و بگو این مال ملک طرف است آن وقت می‌توانی از او بخری یا اجاره کنی یا عاریه بگیری و امثال آن.

بعضی از محققین گفته‌اند که این روایات دلالت می‌کند که در شبهۀ موضوعی فحص و جستجو لازم نیست.

پاسخ این است که از این روایات تعمیم استفاده نمی‌شود بلکه این روایات اشاره به یک قاعدۀ عقلایی هم دارد که ید امارۀ ملکیت است یعنی اگر مالی دست کسی بود امارۀ این است که ملک اوست لذا حکم می‌کنیم او مالک است لذا این روایات دلالت نمی‌کند که در مطلق شبهات موضوعی شما می‌توانید فحص نکنید لذا اگر یک ماشینی در پارکینگ عمومی است یک نفر هم ایستاده می‌گوید این ماشین مال من است چند می‌خری شبهۀ موضوعی است، آیا مفاد قاعدۀ ید این است که اینجا هم بگو این ملک آقاست؟ کجا از قاعدۀ ید چنین تعمیمی استفاده می‌شود. لذا این طایفه از روایات هم مورد خاص است و آن هم نکتۀ خاص دارد ید امارۀ ملکیت است لذا تعمیم استفاده نمی‌شود.

**طائفۀ سوم: روایات باب طهارت و نجاسبت**

طایفه سوم روایات باب طهارت و نجاست است ما روایاتی داریم در باب طهارت و نجاست که مضمون شان این است که به شبهۀ موضوعی در باب طهارت و نجاست اعتنا نکنید مثلاً روایت حضرت امیر علیه السلام: « مَا أُبَالِي أَ بَوْلٌ أَصَابَنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ »[[2]](#footnote-2) رطوبتی به لباسم رسیده است شک دارم بول است یا آب است وقتی نمی‌دانم اعتنا نمی‌کنم فحص هم لازم نیست و نظیر این روایات.

در مبحث طهارت و نجاست بله روایات در این باب دلالت می‌کند که در شبهۀ موضوعی طهارت و نجاست فحص لازم نیست حکم به طهارت کنید، لکن این دلالت نمی‌کند نه تعلیلی دارد نه جمله‌ای است در روایات که تعمیم از آن استفاده شود لذا روایات اختصاص دارد به باب طهارت و نجاست و ربطی به سایر ابواب ندارد. شبهۀ موضوعی دماء، شبهۀ موضوعی فروج، شبهۀ موضوعی اموال و شبهۀ موضوعی سایر موارد هم فحص نخواهد این روایات دلالت بر این معنا نمی‌کند.

**نتیجه:** روایاتی هم که ادعا شده مضمونشان این است که در شبهات موضوعی فحص نمی‌خواهد، برخی از این روایات ربطی به این مطلب ندارد و برخی از روایات هم در مورد خاص است لذا نه قاعدۀ کلی می‌گوید در شبهۀ موضوعی فحص نمی‌خواهد چون حدیث رفع اطلاق ندارد و نه روایات خاص بیانگر این مطلب است لذا به نظر ما در شبهات موضوعی الا ما خرج بالدلیل فحص لازم است مثل شبهات حکمی.

**ان قلت:** در کلمات بعضی از اعلام ادعای اجماع شده است که شاید از کلمات محقق خویی در یک مورد ظاهر می‌شود.

عرض می‌کنیم اثبات این اجماع بر مدعی است، اولاً ثابت نیست ثانیاً: اجماع محتمل المدارک است بعضی می‌گویند اجماع داریم در شبهۀ موضوعی فحص لازم نیست به حکم اطلاق حدیث رفع، اطلاق حدیث رفع را ما قبول نکردیم، بعضی می‌گویند روایات خاص، روایات خاص هم دال بر تعمیم نیست لذا اجماع هم مورد پذیرش نیست.

احد الاعلام از اساتذۀ[[3]](#footnote-3) مسجد اعظم ما در مباحث اصولشان نسبت به فحص در شبهات موضوعی مطالبی دارند حاوی سه نکته که اینها قابل توجه است.

**نکتۀ اول:** ایشان مثل استادشان محقق خویی قائلند حدیث رفع اطلاق دارد شامل قبل از فحص و بعد از فحص می‌شود لذا در شبهات موضوعی قبل از فحص برائت جاری است به اطلاق حدیث رفع.

**نکتۀ دوم:** ایشان می‌فرمایند غیر از اطلاق حدیث رفع ما از روایات هم استفاده می‌کنیم که در شبهۀ موضوعی فحص لازم نیست. هم اطلاق حدیث رفع، هم از روایات تعمیم استفاده می‌کنند و می‌گویند روایات دلالت می‌کند در شبهۀ موضوعی فحص لازم نیست روایات طهارت و نجاست، قاعدۀ ید و سوق المسلمین و امثال اینها.

**نکته سوم:** می‌فرمایند لکن ما مواردی داریم با اینکه شبهۀ موضوعی است و طبق قاعده فحص لازم نیست طبق نگاه ایشان و استادشان لکن ما دلیل داریم که در این موارد خاص فحص لازم است سه مورد را تصریح می‌کنند اینها را بیان کنیم دلیل را ایشان بگوییم تا بیینیم چه باید گفت؟

**مورد اول:** اگر در نصاب زکات یا در وصول مال به اندازۀ خمس کسی شک کند، شک دارد این گوسفندان یا این گندم نصاب زکات دارد یا نه؟ شبهۀ موضوعی است، ایشان طبق اطلاق حدیث رفع و طبق روایات باید بگویند فحص لازم نیست ولی می‌گویند اینجا فحص لازم است به حکم دلیل خاص، یا در خمس سر سال است نمی‌داند حساب بانکی چه مقدار است؟ اصلاً خمس به او تعلق می‌گیرد یا فقط به اندازه سرمایه‌اش دارد؟ شبهۀ موضوعی است می‌فرمایند اینجا فحص لازم است.

**مورد دوم:** در باب نماز اگر مکلف شک کند مسافت شرعی را پیموده یا نه نمازش قصر است یا تمام، شبهۀ موضوعی است اینجا هم مستثناست و فحص لازم است.

**مورد سوم:** بحث استطاعت حج است اگر کسی شک دارد آیا مستطیع است یا نه؟ شبهۀ موضوعی است ایشان می‌فرمایند اینجا فحص لازم است.

در مورد اول یک دلیل اقامه می‌کنند چرا در شک در وصول مال به نصاب زکات یا شک در وجوب خمس در اموالش فحص لازم است؟ ایشان می‌فرمایند دلیل ما سیرۀ عقلاست به این بیان که می‌فرمایند عقلای عالم هر حکومتی را در دنیا فرض کنید وقتی مالیات جعل می‌کنند اگر کسی از عقلاء در مظان این مالیات باشد و فحص نکند ببیند بدهکار حکومت است یا نه، و به اصل برائت تمسک کند بگوید شبهه موضوعی است، اگر در واقع قانون مالیات بر او تطبیق کند دستگاه قضایی آن حکومت او را معاقب قرار می‌دهد و می‌گوید چرا جستجو نکردی؟ در دنیای غرب فرار مالیاتی باعث نابودی تمام سرمایه‌اش می‌شود بر خلاف کشور ما.

ایشان می‌فرمایند ببینید سیرۀ عقلاء بلکه امر مرتکز در نفوس عقلاء این است که وقتی در امور مالیاتی در شبهۀ موضوعی‌اش کسی فحص نکند معاقب است. خمس و زکات مالیات اسلامی است وقتی مصداق مالیات بود امر ارتکازی عقلاء اینجا هم جاری است و حتی بالاتر این سیرۀ عقلایی ممکن است دلیل لبی متصل باشد به آن ادله، حدیث رفع می‌گوید فحص در شبهۀ موضوعی نمی‌خواهد مگر در امور مالیاتی که فحص لازم است. این خلاصه کلام استادمان.

عرض می‌کنیم که این نگاه ایشان اگر ما مطلب ایشان را درست فهمیده باشیم مناقشاتی دارد به دو مناقشه اشاره می‌کنیم:

**مناقشۀ اول:** ببینید در سیرۀ عقلاء حضرت استاد حفظه الله قائلند سیرۀ عقلا مطلقا احتیاج دارد به امضای شارع و تا امضای شارع نباشد سیرۀ عقلاء حجت معتبر نیست. حالا ما یک تفصیلی قائلیم عرض ما این بوده است اگر سیرۀ عقلاء از سِیَری باشد که برگردد به حکم عقل اینجا در حقیقت مدرک حکم عقل است نیاز به امضا ندارد لکن اگر سیرۀ عقلاء به حکم عقل برنگردد نیاز به امضا دارد.

به ایشان عرض می‌کنیم شما که مبنایتان در اصول این مبناست، این سیره عقلاء آیا نیاز به امضای شارع ندارد و آیا اطلاق روایات را که شما قبول دارید رادع از این سیره نیست؟ سیره نه تنها امضا ندارد‌ بلکه رادع هم دارد. شما می‌فرمایید روایات مطلق است دلالت می‌کند در شبهۀ موضوعی فحص نمی‌خواهد آیا این روایات رادع این سیره عقلاء نیست؟ عقلاء می‌گویند در امور مالیاتی فحص می خواهد این روایاتی که شما می‌گویید اطلاق دارد می‌گوید فحص نمی‌خواهد این سیره رادع دارد چگونه به آن تمسک می‌کنید؟

**مناقشۀ دوم:** اگر این سیرۀ عقلا را شما ثابت می‌دانید و حجت می‌دانید و حدیث رفع را تقیید می‌زند، روایات را تقیید می‌زند آیا سیرۀ عقلا فقط در امور مالی است یا در سایر امور دیگر هم هست؟ شما به همه عقلای عالم مراجعه کنید آیا در قوانین راهنمایی و رانندگی اگر کسی به خاطر تشکیک در موضوع فحص نکند قانون را رعایت نکند آیا معاقبش می‌دانند یا نه؟

بلا شبهه اگر بنای عقلاست در غیر از امور مالیاتی در سایر امور هم این بناء وجود دارد لذا اگر این بنای عقلاء را قبول دارید در سایر امور هم باید ملتزم به این بناء عقلاء شوید نه فقط در امور مالیاتی.

نقض هم دارد و اختصاص به خمس و زکات ندارد، شما زکات فطره را زکات به معنای اعم نمی‌دانید یا در کفارات که امور مالی است و شاید اشکال دیگری هم به ذهن برسد. دلیل مورد دوم و سوم خواهد آمد.

1. - جلسه 48 – مسلسل 263– دو‌‌‌‌‌شنبه – 20/10/1400 [↑](#footnote-ref-1)
2. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ ج‌1، ص: 180:«629- 1- أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: مَا أُبَالِي أَ بَوْلٌ أَصَابَنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ». [↑](#footnote-ref-2)
3. - حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی حفظه الله. [↑](#footnote-ref-3)